

تلاطم زمین در حسین آباد میامی؛ رانش یا نفوذ آب سد؟

«کالیوش» تاب ایستادن ندارد

محمد مصومیان
گزارش‌نویس

اینجا سیل نیامده، زلزله نیامده، طوفان سهمگینی هم در نگرته اما انگار همه این اتفاق‌ها باهم افتاده است. در «حسین آباد کالیوش» شهرستان میامی سمنان جا به جا خانه‌های فروریخته می‌بینید و ترک دیوار و سالن بزرگ ورزشی که از وسط دو نیم شده و مدرسه چند میلیاردی که سه ماه بعد از ساخت، از هم پاشیده و هزار و یک بدبختی دیگر. اهالی حسین آباد هر شب با دلهره به رختخواب می‌روند و نمی‌دانند فردا از کدام کوچه و کدام خانه چشمه‌ای بیرون خواهد زد و کجا فرو خواهد رفت و کجا مثل تپه‌ای یک شبه بالا خواهد آمد؟ شاه‌رخ توفیقی‌نژاد با آن سن و سال در چادر هال احمر زندگی می‌کند، خانواده نصرتی در خانه‌ای که مثل چینی پندزده هر طرفش را با گچ و سیمان پوشانده‌اند و خیلی‌های دیگر هم که آواره روستاها و شهرهای اطراف شده‌اند. در حسین آباد کالیوش چه اتفاقی افتاده است؟

از میامی تا روستا ۱۲۰ کیلومتر جاده صاف با چشم‌انداز کوه‌هایی در دور دست را پشت سر می‌گذارم. هرچه زدنیکتر می‌شوم تپه‌های زرد و سبز را می‌بینم که پوشیده از کلزا و گندم و چوند زمین‌هایی در دامنه تپه ماهورها که مردم روستاهای اطراف در آن مشغول کار هستند. نرسیده به حسین آباد، سد کالیوش را می‌بینم که به پهنه زیبای طبیعت، رنگی آبی افزوده است. حسین آباد با چهار هزار و ۵۰۰ نفر یکی از پرجمعیت‌ترین روستاهای کشور است؛ جایی که این روزها به قول یکی از مسئولان استانداری تبدیل به «زخمی

توفیقی‌نژاد که چند ماه در خانه دخترش زندگی کرده و چند وقتی هم اجاره نشین بوده، حالا به خاطر دام‌هایش به روستا برگشته است: «در این چادر با پسرهام زندگی می‌کنم و مجبورم آخر هفته‌ها به خانه دخترم در «گالیکش» بروم و حمام کنم. ظرف‌ها را هم با شیر آب کنار جاده می‌شویم. زندگی در چادر سخت است. کسی هم به فکر ما نیست.»

ابتدا به دیدن دهیار و چند نفر از اعضای شورای حسین آباد می‌روم. در حیاط مدرسه زیر سایه خنک درخت گردویی می‌نشینیم تا از زبان آنها جزئیات حادثه را بشنوم. بزرگ‌ترین نگرانی‌شان شروع فصل سرماست و بی‌برنامگی مسئولانی که هنوز اقدامی برای بهبود اوضاع نکرده‌اند. جواد ملایی عضو جوان شورا مهم‌ترین دغدغه‌های مردم را این‌طور بیان می‌کند: «مردم ابتدا می‌خواهند دلیل این رانش را بدانند. همه معتقدند سد باعث این اتفاقات شده. اگر بخواهیم کمی عقب‌تر برویم شروع مسأله از روزی بود که برای استخراج سنگ، دیواره کناری سد را در تکیه گاه شرقی منفجر کردند. انفجارها باعث نشستی سد شد و نفوذ آب به زمین‌های روستا منطقه را دچار رانش کرد. بعد هم چشمه‌هایی بیرون زد که قبلاً نبود.»

حسین قربانی رئیس شورایی روستا اما متذکر می‌شود که مسئولان استان زیر بار این مسأله نمی‌روند و ارتباط استخراج سنگ و رانش را منکر می‌شوند: «مسئولان می‌گویند به خاطر بارش‌های اخیر بوده و شاید نیم درصد هم سد مقصر بوده باشد. چند بار گفتند کارشناس اعزام می‌کنیم تا دلیل رانش

همه خسارت چیست؟ البته چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است.» به خانه نوسازی که حالا تبدیل به مخروبه‌ای ترسناک شده می‌رویم. هرقدم که بر می‌دارم نگران ریزش سقف روی سرم یا ریختن راه پله هستم. از لای ترک‌های دیوار می‌شود سبزی درختان بیرون را دید: «نماینده مجلس می‌گوید پیگیری می‌کنم و تیم تحقیقات می‌فرستم پس گو؟» استاندار می‌گوید جاده ۱۰ روزه احداث می‌کنند، کو جاده؟ چرا تیم تحقیقاتی ما را دیورت کردند؟ نکند چیزهایی هست که ما نمی‌دانیم؟ آن روزی که ما به مجلس رفته بودیم هیچ‌کدام از کمیسیون‌های مجلس هیچ اطلاعی نداشتند و اصلاً اسم روستا را هم نمی‌دانستند.»

از این خانه بیرون می‌آیم و به خانه دیگری می‌روم. خانه‌ای که انگار با چنگک به جان دیوارهایش افتاده‌اند. کف خانه کج شده و شعاع نور از دیوار به درون می‌تابد: «حدود هشت ماه پیش ما اولین ترک‌ها را مشاهده کردیم، یعنی زمانی که سد کاملاً آبگیری و پر شده بود. رفتیم پیش مسئولان سد و شکایت کردیم. آنها هم آمدند و گفتند این مقدار طبیعی است. الان این وضعیت طبیعی است؟ هشت ماه پیش گفتند یک مقدار آب از زیر نفوذ کرده و ما این را قبول داریم. بعد گفتند زهکشی می‌کنیم و نگران نباشید. درواقع قبول کردند که ترک‌ها به‌خاطر آبگیری سد است.»

او مسیر زهکشی را که پیمانکار سد کشیده نشان می‌دهد و آبی که از کف زمین بیرون زده و حوضچه کوچکی که آب زه درست کرده: «اگر خرابی و رانش مربوط به آب سد نیست، چرا زهکشی

بگیرد. او از «بادرقتی» بودن منطقه می‌گوید و تکرار می‌کند که ساختن ساختمان‌های سنگین در آن منطقه اشتباه بوده است: «از لحاظ مقاومتی زاویه برش داخلی، روی این زمین‌ها نباید بارگذاری خانه‌ها اتفاق می‌افتاد. این منطقه قبلاً جنگل بوده و جنگل‌ها را تراشیده‌اند. در واقع زمین آن منطقه آنجایی که تراکتور نخورده، پایدار است و آب را کدی که زیری ساختمان است: «من هم ایناگر ه‌هستم هم ضایعه نخاعی دارم ۴۵ سال است که اینجا زندگی می‌کنم، سه برادر هستم در هفت ساختمان که همگی ریخته. چنین چیزی اینجا سابقه نداشته و ما از پدرهای خود هم نشنیده بودیم.»

کمی جلوتر خانه حاج قربان نصرتی است که با سیمان و گچ سوراخ‌ها و ترک‌های خانه را پوشانده است: «چهار

ساله که آنجا مجری طرح بودم چنین بارشی در یک بازه سه ماهه ندیده بودم. در درجه اول بارندگی است و مسأله بعدی بادرقتی بودن منطقه و تراشیدن جنگل‌ها است و بارگذاری که مزید علت شده است.»

از او مورد تأثیر انفجارها و استخراج سنگ می‌پرسم. می‌گوید: «سد روی بستر سنگی قرار دارد. دیوار آب بند و پرده آب بند دارد و ما هم مدام داریم پایش می‌کنیم. از این نظر سد تأثیری در این مسأله ندارد.» از او می‌پرسم اگر سد تأثیری نداشته چرا به خانواده بهرامی خسارت داده‌اید و زهکشی کرده‌اید؟ پاسخ می‌دهد: «ما خسارت ندادیم، پیمانکار داد. گفتند حالا یک پولی به ما بدهید که پیمانکار هم داد. بله زهکشی هم کردیم اما نه به دلیل نشی سد.»

او در مورد چشمه‌هایی که به تازگی از دل زمین بیرون زده نیز می‌گوید همه این‌ها به‌خاطر بارندگی است و هرچشمه‌ای دلیل بر نشستی سد نیست چون سد هر روز و هر لحظه رصد و پایش می‌شود: «در رابطه با کارشناسانی که مردم برده بودند و برگردانده شدند هم باید بگویم دلیلش مصوبه استانداری است و اینکه دستور داده شده هر کارشناسی قبل از ورود و کار باید مجوز بگیرد.»

مصطفایی در مورد زلزله خیز بودن منطقه و اینکه چرا باید در چنین محل خطرناکی سد ساخت می‌گوید: «بله آنجا زلزله خیز است اما چرا خانه ساخته‌اند؟ چرا بنیاد مسکن مجوز داده و طرح‌های را به آنجا کشانده درحالی که وقتی ما شروع کردیم اصلاً خانه‌ای آنجا نبوده.

سد روی بستر سنگی است و زلزله کاری نمی‌کند.» او ما را به تحقیقات زمین شناسی کشور ارجاع می‌دهد که در آن هر گونه ارتباطی بین سد با رانش وارد می‌کند. به وی می‌گویم من چشمه‌ها و برکه‌هایی دیدم که از پی ساختمان‌ها بیرون زده بود اما وی معتقد است هر کسی براحتی نمی‌تواند در این زمینه نظر بدهد: «ما بعد از انفجار با آهک و رس، دیواره سد را ترمیم کردیم و درحال حاضر هم بسیار مقاوم است.»

نمی‌دانم اگر سال دیگر سراغ حسین آباد کالیوش بروم چه اتفاقی افتاده است؛ کدام خانه با خاک یکسان شده و کدام گودال دهان باز کرده و کدام چشمه جوشان در حال قل قل است. یاد حرف مهدی می‌افتم که می‌گفت خدا می‌داند چه دریایی زیر پای ما در تلاطم است.



از خانه نصرتی‌ها به سمت کوه می‌رویم؛ درست پشت ستون شرقی سد. در راه مدرسه دومین شده‌ای را نشانم می‌دهند که تازگی‌ها با بیش از یک میلیارد تومان ساخته شده، یک سوله متلاشی شده گندم و ساختمان‌های اداری پیمانکاران سد و پاسگاه که تخلیه شده است. از جاده که بالا می‌رویم صدای شرشر چشمه‌ها گوشنوازی می‌کند؛ چشمه‌هایی که به تازگی سر بر آورده‌اند و راهی به روستا باز کرده‌اند. عمق فاجعه را زمانی درک می‌کنم که دو تیر دروازه فوتبال با ۲۰۰ متر فاصله را با هم مقایسه می‌کنم؛ یکی بالای تپه و یکی پایین گودال

بر تن استان» شده اما این زخم روزگاری به جشنواره شقایق‌هایش معروف بود که ۱۳ هزار نفر را برای دیدنش به آنجا می‌کشاند و به تالاب و آبشار و طبیعت بکرش می‌باید که منظره سد، جاذبه‌ی تشرش می‌کرد. اما رانش‌های غیرطبیعی از ۲۷ اسفند سال گذشته شروع شد و خبر ویرانی خانه‌ها و آوارگی مردمش در حادثه سیل لرستان و آقا قلگم شد و حالا ورد زبان مردم این جمله دردناک است که همه ما را قراموش کرده‌اند. البته اهالی حسین آباد بیکار هم ننشستند و با حضور در رو به روی مجلس صدای خود را به رسانه‌ها و نمایندگان رساندند.

در راه پیرمردی از شیر آب کنار جاده دبه را بر می‌کند و به سختی از شیب تند می‌کند؛ تازگی‌ها سر بر آورده به سمت چادر سفید هلال احمر می‌پرد. او حالا چهار ماه است به همراه سه پسرش در این چادر زندگی می‌کند. چادری بدون هیچ امکانات که در حیاط خانه ۴۰ ساله‌اش برپا کرده و هر لحظه منتظر است خانه با خاک یکسان شود. کمی آن سوتر هم خانه نوساز نواش بین ریختن و نریختن مردمانه. در حسین آباد ۷۰ خانه یکسر فروریخته و به ویرانه تبدیل شده است.

بر دقیق و کارشناسی اعلام کنند اما هنوز بعد از چهار ماه خبری از کارشناس نیست. ما خودمان چند استاد از دانشگاه صنعتی‌ئوتکنیک شاهرود آوردیم و آنها به‌صورت شفاهی گفتند مقصر اصلی سد است اما مسئولان محلی مانع از تحقیق بیشتر آنها شدند.» ملایی ادامه می‌دهد: «منطقه برف و باران ندیده نیست. بارش‌های سیل آسا هم داشتیم اما این مسأله برای اینجا تازگی ندارد.»

جواد بهرامی راد معلم دبیرستان روستا ما را همراهی می‌کند تا خانه‌های ویران شده او و اقوامش را در محله سعادت آباد که نزدیک‌ترین نقطه روستا به تکیه گاه شرقی سد است ببینیم. وقتی می‌گویم اینجا انگار زلزله آمده مثل بیشتر مردم روستا با عصبانیت می‌گوید: «زلزله بالای طبیعی است اما این رانش طبیعی نیست.» می‌لگردهای محکم خانه‌ای را نشانم می‌دهد و می‌گوید: «از اینجا تا دهنه سد کالیوش ۲۰۰ متر فاصله داریم. روزی که آقاییان آمدند کلنگ بزنند، گفتند هیچ اتفاقی برای شما نمی‌افتد. اما منطقه بهرامی زودتر از حد پاشیده و به‌خاطر این که سد ما شش ماهه می‌دهد، بسیاری از محلی‌ها

خانوار در این خانه زندگی می‌کنیم. قرار است ۴۰ تومان وام و ۱۰ تومان بلاعوض بدهند اما ما نمی‌خواهیم. به جای پول اول مشخص بکنند مقصر این تخریب چه کسی است و چرا اینجا به این روز در آمده است؟» او که از ترس دزد نتوانسته خانه و کله و دام را رها کند و به خانه دیگری برود حالا با سه پسر و عروس و دامادها در خانه‌ای خطرناک زندگی می‌کنند که هر لحظه ممکن است روی سرشان آوار شود: «تا وقتی بمیریم توی همین خانه می‌مانم. با سه میلیون کجا می‌شود خانه اجاره کرد؟ خانه ما را سد شکسته و ما خسارت می‌خواهیم، وام ۴۰ میلیونی نمی‌خواهیم. این منطقه سه ماه دیگر زیر برف می‌رود. زودتر تکلیف ما را مشخص کنند.»

از خانه نصرتی‌ها به سمت کوه می‌رویم؛ درست پشت ستون شرقی سد. در راه مدرسه دومین شده‌ای را نشانم می‌دهند که تازگی‌ها با بیش از یک میلیارد تومان ساخته شده، یک سوله متلاشی شده گندم و ساختمان‌های اداری پیمانکاران سد و پاسگاه که تخلیه شده است. از جاده که بالا می‌رویم صدای شرشر چشمه‌ها گوشنوازی می‌کند؛ چشمه‌هایی که به تازگی سر بر آورده‌اند و راهی به روستا باز کرده‌اند.

یکی از اهالی روستا که خود را مهدی معرفی می‌کند، می‌گوید اینجا تا پارسال محل جشنواره شقایق‌ها بوده اما حالا باید مراقب شکاف‌های زمین باشیم که یکسره درحال دهان باز کردن و عمیق شدن هستند. عمق فاجعه را زمانی درک می‌کنم که دو تیر دروازه فوتبال با ۲۰۰ متر فاصله را باهم مقایسه می‌کنم؛ یکی بالای تپه و یکی پایین گودال. مهدی می‌گوید: «خدا می‌داند چه دریایی زیر پایمان است!»

در صحبت‌ها با شوراییاری و دهیار هر لحظه با زاویه جدیدی از این اتفاق آشنا می‌شوم، مخصوصاً وقتی ابراهیم نمازی می‌گوید: «ما برای ساخت سالن ورزشی به کارشناس مراجعه کردیم که گفتند زمین مقاومی دارد. حالا چطور شده که این اتفاق افتاده و سالن با خاک مساوی شده؟ سال ۸۴ سازمان زمین شناسی اعلام کرد ۱۹هکتار از حسین آباد روی خط زمین لرزه است، چه شد که همان جا سداحداث کردند؟»

محمد هادی مصطفایی مجری سد و مدیر مطالعات پایه منابع آبی منطقه‌ای سمنان معتقد است سد هیچ نقشی در این اتفاق نداشته و باید کارشناسی دقیقی در این زمینه صورت

یک جدول با دو شرح

افقی؛ جدول عادی

- ۱- اهل کشوری اروپایی- دختر و پاکدامن
- ۲- رود مرزی- بانی ترکیه نوین- خوشحالی
- ۳- ضمیر جمع- از رشته‌های ورزش شنا- واژه یبازی- جام ورزشی
- ۴- آثاری از حمام قدیمی منسوب به دوره صفوی یا قاجاری مؤید قدمت کهن این روستای حومه‌تالش است- خداحافظی- قمر برجیس
- ۵- معلق- ضرع شاگرد رنگ- حرص
- ۶- از رشته‌های ورزش رزمی- حجاب کامل- الهه آب و دریا
- ۷- خاک سفالگری- کتاب «شیخ بهایی»- موج الکتریکی
- ۸- مرکز «پویان»- دوره فوق دیپلم- دیوار قلعه
- ۹- رود طویل ایران- خرج زندگنی- ماهه
- ۱۰- آلباژی از آهن و نیکل- اکنون- پرنده کوچک یا حشره
- ۱۱- مفت- یار کشمش-! مته
- ۱۲- یارپتا- انگل- سرگذشت‌ها، اتفاق‌ها
- ۱۳- ناتوان، ضعیف- شبیه- وسط- عدد تنها
- ۱۴- ترمز کشتی- ناگهانی- آیینه‌مقعر
- ۱۵- به معامله‌ای گفته می‌شود که فروشنده هنگام فروش، سند را به‌نام خریدار نمی‌زند- بازیگر خنم فیلم «ایکس لارج» (روزی پرده‌سینماها)

عمودی:

- ۱- صدای انفجار- پدر
- ۲- پارسنگ ترازو- ژانری
- ۳- چاشنی گوجه‌ای- قوچ-
- ۴- اخبار انگلیسی- نام‌باستانی «شهری»
- ۴- باجه و گیشه- میانجی، واسطه- نقش بازیگر
- ۵- شاعر از آنان چشم باری داشته- شکرگزار- باشرم
- ۶- گازی قابل اشتعال- قله کوه- نابودی
- ۷- موی گردن شیر- تصدیق سخن- ارادت صادقانه
- ۸- هنوز بیگانه- شاعر پارسی
- ۹- شهر در استان «گیلان»- ماهی رها!- ستایش و ستودن
- ۱۰- ریاضیدان فرانسوی- سال‌ها- بیسکویت سبک
- ۱۱- اشاره به ذات حق- شرع و کیش- دقیقه‌ها
- ۱۲- عدد نفس کش!- یک ششم ملک و زمین- دوری از دوستان
- ۱۳- گاوپال دار تبت- زیور، پیرایه- اما- چه کسی؟
- ۱۴- امر زودن- غارت-
- ۱۵- غده‌ای در مغز- برزن

افقی؛ جدول ویژه

- ۱- پیرومتر- شیرینی لوزی شکل
- ۲- مخفف از آن- تکی تک شدن- با هم و همگی
- ۳- ساز قلمی- لوله بسیار نازک- مته برقی- شهر «موسیقی»
- ۴- در جهالت به سر می‌برد- زینت دادن- مرد سست و ضعیف
- ۵- نیروی زندگانی- نقاش- حرف انگلیسی
- ۶- نوعی از قلیق باریک و کوچک- نگهبانی- بلد
- ۷- اثر «ساموئل بکت»- گلایی- گرد آرایشی قدیمی
- ۸- ظرف بلوخوری- کتاب «چین ویستر»- امر به شنیدن
- ۹- لقب امام دوازدهم شیعیان- کشاورزی- پشته خاک
- ۱۰- لقب «امیر قلعه‌نوی»- طراح‌ی اولیه- بی‌عزت وی آبرو
- ۱۱- دلیر- کشور «نایروبی»- پایان
- ۱۲- بوی ماندگی- عروسک جالیز- رواداشتن و جایز گردانیدن
- ۱۳- سهولت- شهری در استان «آذربایجان غربی»- واحد پول در «تهران»- نیم صدای سک
- ۱۴- سرها- محله‌ای در «تهران»- شرکت خودرو ساز «فرانسوی»
- ۱۵- گوناگونی- هافبک دفاعی «پرسپولیس»

عمودی:

- ۱- غم- شهری توریستی در «برزیل»
- ۲- رود «آلمان»- گازی بی‌رنگ- کهن‌ترین قاره کره زمین
- ۳- نام زنانه فرنگی- دوات- جزیره ایرانی- شهری در ایالت «نوردراین وستفالن» آلمان
- ۴- معالجه- جهان- نت آخر
- ۵- سربالی با بازی «مینا لاکانی»-
- ۶- سال‌ها- هر گوشه زمین فوتبال- قلاب
- ۷- مقابل «اثبات»- باج- سبیل- نام دخترانه
- ۸- زدن‌ی در بازی!- تیزاب- ترمز چهارپا
- ۹- فهمیدن- وحشت- قدرت
- ۱۰- یک‌نام فارسی برای مردان- مرکز فرماندهی- از جنس پارچه‌مشبک
- ۱۱- ژنرال جنگ‌های انفصال- شهری نزدیک «هویزه»- توافقی
- ۱۲- بیمودن- نام دیگر سبزی «ترتیزک»- سبزی معطر با خواص دارویی فراوان
- ۱۳- پژواک صدا- حالت انزجار- مخفیانه- سطح
- ۱۴- زیبا- بالاپوش خانم‌ها- بیماری پوستی
- ۱۵- بازیگر نقش اول زن فیلم «نقطه‌کور»- نیرو

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															
۱۵															

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															
۱۵															

حل جدول عادی شماره ۷۱۰۶

حل جدول ویژه شماره ۷۱۰۶